



# زیارت

## از دیدگاه احادیث اهل سنت

عبدالطیف عرب تیموری - حوزہ علمیہ احمدیہ تربت جام - از اهل سنت



### چکیده

در این مقاله سعی شده با توضیح مفهوم واژه‌ی زیارت، با این امر مقدس اسلامی آشنایی حاصل شده و سپس با استفاده از احادیث معتبر و متون اصلی و اولیه، جایگاه زیارت در اسلام بیان گردد و ثابت شود که زیارت اماکن مقدسه و قبور ائمه و بزرگان دین، امری صحیح و به رسمیت شناخته شده در تاریخ اسلام است و روایات زیارت مدینه و مرقد پیامبر (ص) حاکی و اثبات کننده این مطلب است که زیارت شامل زیارت قبور فرزندان پیامبر نیز می‌گردد. همچنین با توجه به زیارت‌های عملی چند تن از علما و عرفای بزرگ اهل سنت همچون شیخ احمد جامی، عبدالرحمن جامی و مولانا زین الدین ابوبکر تایبادی و ذکر اشعار مدیحه، تمجیدها و خاطرات آنها هنگام زیارت یا دیدن برخی کرامات در بارگاه رضوی بر این موضوع تاکید شده است که زیارت قبور بزرگان دینی، سیره‌ی عملی علمای اسلام و عرفا بوده است که همواره سعی در کسب فیض از مرقد بزرگان به ویژه علی بن موسی الرضا (رض) داشته‌اند.

**کلید واژه‌ها:** زیارت، مدینه، اهل سنت، عطار، احمد جامی، عبدالرحمن جامی، مولانا تایبادی، کرامت.

### مقدمه

زیارت مشاهد متبر که و قبور بزرگان دینی، همواره عاملی الهام‌بخش و تهذیب‌کننده برای هر مسلمان مخلص و علاقمند به این بزرگان بوده است. این موضوع از صدر اسلام تاکنون مورد قبول و تأیید علما و اندیشمندان مسلمان است و به جز عده‌ی بسیار اندکی که سعی دارند، امت اسلامی را از این طریق کسب فیض و معرفت محروم نمایند، اکثر مسلمانان بر این روش

متعالی اهتمام داشته و دارند. زیرا این عمل بر مبنای فرمایشات پیامبر اکرم (ص) و سایر بزرگان دین و نیز بر اساس سیره و عملکرد آنهاست؛ به ویژه آن که در احادیث نبوی، ایشان بر زیارت مرقدشان تاکید می‌نمایند و عدم زیارت آن را جفا بر خویش می‌دانند و یا حضرت توصیه به زیارت مدینه منوره می‌نمودند که این امر، بیانگر جایگاه و قدمگاه پیامبر (ص) و فرزندان و یاران ایشان است. مشخص است که این سفارش به طور طبیعی، مرتبط با اعمال حج نیست؛ بلکه همگی دلالت بر تأیید زیارت قبور بزرگان دینی و آثار بازمانده از نبی اکرم (ص) دارد و این موضوع با احادیث معتبر و سیره و عملکرد رسول اکرم (ص) و فرزندان گرامی ایشان و فرمایشات و عملکرد علمای اسلام و رهبران دینی ثابت شده است.

در این راستا، توجه به عملکرد عینی و انجام زیارت توسط برخی علما و اندیشمندان و عرفای بزرگ و ارائه نمونه‌هایی از این زیارت‌ها توسط آنان و گفتن مدح و دیدن کرامت در مکان‌های زیارتی و به خصوص مرقد حضرت رضا (رض) می‌تواند این باور و عقیده اسلامی را در بین عامه مردم بیش از پیش تقویت نماید و همان گونه که در طول تاریخ اسلام همواره وجود داشته است، بر خیل مشتاقان زیارت و علاقمندان به کسب فیض معنوی از طریق زیارت مشاهد متبر که در ایران اسلامی بالاترین و حد اعلای آن زیارت مرقد نورانی حضرت رضا (رض) است، بیفزاید. با این توضیحات، در این مقاله سعی شده است که از متون اولیه و معتبر حدیثی و ادبی و تاریخی عربی و فارسی استفاده شود و مطالب به آنها ارجاع داده شود.

## مفهوم زیارت

واژه‌ی زیارت غالباً در فرهنگ‌ها «گرفته شده از لغت عربی زیارت و رفتن به مشاهد متبرک و بقعه‌ها و دعایی که برای تشریف باطنی برای امام‌ها و امامزاده‌ها و اولیاء خوانند» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۳۵۴). به همین مضمون، حج و تشریف به خانه‌ی خدا و دیدن قبر منور پیامبر اکرم (ص) نیز زیارت خوانده می‌شود و گاهی به جای حج رفتن، عبارت به زیارت خانه‌ی خدا رفتن آمده است. به ملاقات بزرگان، پادشاهان و اشخاص محترم و بازدید آن‌ها نیز زیارت گفته می‌شود. در همین راستا، بیهقی در تاریخ خود ملاقات هارون با ابن سماک را به زیارت آمدن وی که از بزرگان و زهاد در مکه بوده است، یاد می‌کند (بیهقی، ۲۵۳۶ ش، ص ۹۷۶). موارد دیگری هم در تاریخ فرهنگ ایران وجود دارد که زیارت را رسیدن به حضور بزرگی یا بازدید و کسب فیض از مرقد وی و روح متبرک آن بزرگوار بیان می‌کند و بدین لحاظ، در طول تاریخ عرفان و دیانت ایران، همواره مفهوم زیارت و عمل زیارت امری مثبت و معنوی تلقی شده و افراد مختلف سعی نموده‌اند با استفاده از زیارت و این پنجره‌ی باز به سوی معنویت و فیض گرفتن از این سعادت، بهره‌ی دنیوی و اخروی کسب نمایند.

## ◀ سابقه‌ی زیارت در اسلام

زیارت در اسلام، سابقه و پیشینه‌ای به اندازه‌ی خود اسلام دارد؛ بدین مفهوم که در رابطه با زیارت خانه‌ی خدا، خداوند در تداوم زیارت‌های پیروان انبیاء گذشته بر مسلمین نیز این زیارت را فرض نمود (کردی، ۱۳۸۰ش، ص ۳۶) و فرموده است: «هر کس آهنگ آن کند [زیارت کعبه] جز با پاداش‌ها و دستاوردهای معنوی و بهشتی که خدایش ضمانت کرده است، باز نگردد و هر کس تنها به انگیزه‌ی نماز در بیت، آهنگ آن کند، چون باز گردد، آن سان از گناه پیراسته شود که طفلی نوزاد را ماند و هر کس با اخلاص، بار سفر زیارت آن بر بندد و در راه جان دهد، بی حساب به بهشت آید...» (همان)

## ◀ زیارت در سیره نبی اکرم (ص) و فرزندان ایشان

پیامبر اکرم (ص) در سیره‌ی عملی خویش، در کنار قبر مسلمین می‌ایستادند و برای آنان طلب مغفرت می‌نمودند و حتی قبر مادر خویش را در ابواء زیارت کردند که این موضوع از متواترات تاریخ است. از آیه شریفه‌ی قرآن که خداوند می‌فرماید: «وَلاتصل علی أحد مات ابدًا و لاتقم علی قبره إنهم کفروا بالله و رسوله و ماتوا و هم فاسقون» (توبه، ۸۴) یعنی «و هرگز بر هیچ مرده‌ای از آنان نماز مگذار و بر سر قبرش نایست، چرا که آنان به خدا و پیامبر او کافر شدند و در حال فسق مردند» نیز استنباط می‌گردد که پیامبر تنها از ایستادن و نماز بر منافقان و مشرکان منع گردیده است و در نقطه مقابل می‌توان نتیجه گرفت که چنین امری برای قبور مسلمین، هیچ منع قرآنی یا شرعی ندارد و رفتار عملی رسول اکرم (ص) نیز همین امر را نشان می‌دهد و نمی‌توان از این آیه کریمه، برداشت عدم زیارت را نمود، زیرا این توصیه به پیامبر تنها برای کفار و مشرکین و منافقین است و شامل مسلمین نمی‌گردد.

به طور کلی، تا پایان قرن هفتم علمای اسلام زیارت را مستحب دانسته و به آن فتوا می‌دادند و هیچ منبع موثقی قبل از قرن هفتم در مورد ممنوعیت زیارت نداریم، تا آن که در قرن هشتم و ابتدا در اندیشه‌های ابن تیمیه، این ممنوعیت مطرح شد و سپس توسط وهابیان ادامه یافت، ولی هیچ‌گاه به طور عام پذیرفته نشد و همواره اکثریت علما و عرفا بر زیارت و مستحب بودن زیارت تأکید نموده و خودشان با زیارت قبور بزرگان و اهل بیت پیامبر (ص) ارادت خود را به پیامبر و خاندانش نشان داده و مشروعیت زیارت را در عمل تأیید کرده‌اند. مواردی از انجام زیارت را نویسنده محترم کتاب «منزلت زیارت از منابع اهل سنت» از مستدرک الصحیحین حاکم نیشابوری نقل می‌کند که اشاره به زیارت قبر حضرت حمزه (رض) عموی گرامی پیامبر (ص) در روزهای جمعه توسط حضرت فاطمه (رض) و نماز و گریه در کنار قبر ایشان دارد (پورامینی، ۱۳۹۲ش،

ص ۳۳). این اثر نیز در اثر ارزشمندش «اسد الغابه» به زیارت قبر خباب بن ارت، صحابی گرانقدر رسول اکرم (ص) توسط علی بن ابیطالب (رض) پس از برگشت از جنگ صفین اشاره می‌نماید (ابن اثیر، ۱۹۷۰م، ج ۲، ص ۱۱۴). ده‌ها مورد دیگر نیز در کتب سیره و رجال از زیارت توسط فرزندان پیامبر (ص) نقل شده است؛ مانند زیارت مرقد رسول اکرم (ص) توسط حضرت رضا (رض) و نماز در کنار آن و یا زیارت قبر حسن بن علی (رض) در بقیع توسط حسین بن علی (رض) (پورامینی، ۱۳۹۲ش، ص ۳۴) که همه‌ی آنها اثبات‌کننده‌ی سیره‌ی عملی زیارت توسط پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان است. مدینه با ورود اسلام و وجود شریف پیامبر (ص) به این شهر اهمیت و تقدس و تبرکی خاص یافت و هم‌اکنون نیز این تقدس و اهمیت زیارتی خود را دارد. زیرا پس از رحلت رسول خدا (ص) در آن شهر و قرار گرفتن مرقد شریف ایشان در آنجا از جنبه‌ی زیارت این مرقد شریف، این شهر بالاترین اهمیت و جایگاه زیارتی در جهان اسلام را پس از مکه پیدا نموده است. به خاطر این مهاجرت، اقامت و رحلت در مدینه، این شهر دارای فضایی شد که در تاریخ جهان و در میان همه‌ی شهرهای جهان بی‌نظیر است. از این رو، این شهر چه در زمان حیات طیبه‌ی پیامبر (ص) و چه پس از آن، تبدیل به زیارت‌گاه بزرگ مسلمین و همه‌ی اهل دل گردیده است.

پیامبر اکرم در مورد اهمیت مدینه فرمودند: «هر کس در مدینه ظلم و تجاوز کند، لعنت خدا و فرشتگان و همه‌ی مردم بر او باد» و در حدیثی دیگر گفته‌اند: «مدینه است که آدم‌های بد را از خود جدا می‌سازد، همان‌طور که کوره مواد ناخالص را از فلزات جدا می‌کند» و یا «سرانجام ایمان به مدینه باز خواهد گشت، همان‌طور که مار به سوراخش باز می‌گردد.» (بخاری، ۱۳۸۸ش، صص ۵۰۷ تا ۵۰۹) در حدیث معروف دیگری، نبی اکرم (ص) فرمودند: «خطر ورود دجال به مدینه وجود ندارد، زیرا در آن زمان مدینه دارای هفت دروازه خواهد بود که بر هر یک از آنها، دو فرشته نگهبان خواهد بود» (همان) ده‌ها حدیث معتبر دیگر هم از ایشان در فضیلت مدینه، این زیارت‌گاه بزرگ مسلمین، در صحیح بخاری و صحیح مسلم نقل شده است و این‌ها همگی دلیل بر تقدس و زیارت‌گاه بودن مدینه تا حیات ایشان است که پس از رحلت ایشان، این زیارت‌گاه و تقدس به طور طبیعی بیشتر هم می‌گردد. زیرا هم فضایل قبلی باقی است و هم وجود مضجع شریف پیامبر (ص) دلیل کاملی بر افزایش این تبرک و فیض‌بخشی‌ها است و پس از آن، قبور متبرک بقیع شامل قبور خلفا (رض)، اصحاب و یاران ایشان تا قرون بعید به طور مرتب بر تبرک مدینه می‌افزاید. اکنون هم به دلیل همین بقاع متبرک که از پیامبر (ص) و یاران و اصحاب و ائمه است که مدینه از جنبه‌ی زیارتی و زیارت‌گاهی همچون نگینی در جهان اسلام می‌درخشد. در این زمینه حدیث مهمی در وجوب زیارت از پیامبر (ص) را که اگر چه به صورت خبر واحد نقل شده، نقل می‌نمائیم که دلیل تام و تمامی بر اهمیت زیارت مدینه به طور اخص و مشاهده و تشریف به قبور بزرگان از جمله شخص ایشان را به طور اعم بیان می‌کند و خود اتمام حجتی بر حجیت زیارت

و به قول عبدالرحمن جامی، فرض عین بودن آن برای هر مسلمانی می‌باشد؛ آن حدیث چنین است: «من وَجَدَ سَعْتاً و لم یزرنی فقد جفانی»: هر کس امکان توانایی [مالی و جسمی] یابد و قبر مرا در مدینه زیارت نکند، بر من جفا نموده است.... (شربندالی، ۱۳۹۲ ش، ص ۷۸۱) البته این حدیث در برخی جاها به صورت «من حج و لم یزرنی فقد جفانی» نیز آمده است. اگر چه این حدیث نزد برخی محدثین به صورت خبر واحد نقل شده است، ولی در نزد بسیاری دیگر صحت و درستی انتساب آن به رسول اکرم (ص) به ثبوت رسیده و در مورد آن تردیدی ندارند.

حدیث فوق، دلیل مهمی بر وجوب و لزوم زیارت مرقد مطهر پیامبر (ص) توسط مسلمین است و آیا نمی‌توان از لحاظ عقلی همین برداشت را در مورد زیارت قبور فرزندان ایشان تعمیم داد؟ همان‌گونه که در طول تاریخ اسلام، همواره در عملکرد مسلمین، عرفا و علمای بزرگ مسلمان چنین بوده و آنها زیارت قبور فرزندان پیامبر (ص) و اولاد ایشان را همچون زیارت مرقد خود ایشان مایه‌ی فخر و مباهات و ثواب و اجر اخروی و دنیوی می‌دانستند. در همین راستا، شربندالی از منابع خود حدیث مهم دیگری نیز از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که بیان گر اهمیت مفهوم زیارت است: «من زار قبری وجبت له شفاعتی: هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعت او بر من واجب می‌گردد» (شربندالی، ۱۳۹۲ ش، ص ۷۸۲) و در حدیث دیگری آورده است: «من زارنی بعد مماتی فکانما زارنی فی حیاتی: هر کس مرا [قبر مرا] پس از مرگم زیارت کند، گویی مرا در حالت حیات و زندگی زیارت کرده است» (همان) وی این حدیث را از قول دارقطنی و طبرانی از معجم الاوسط (ج ۱، ص ۹۴) نقل می‌کند که از متون مهم است. بنابراین این حدیث ثابت می‌کند که تا چه میزان، زیارت مرقد رسول اکرم (ص) از نظر آن بزرگوار اهمیت داشته است. همچنین بارها در رابطه با فرزندان و ذریات پیامبر اکرم (ص) از قول خود ایشان، به صورت پاره‌های تن و وجود و نفس خودشان ذکر گردیده است؛ به عنوان نمونه، پیامبر (ص) فرموده‌اند که «پاره‌ای از تن من در توس دفن خواهد شد.» بنابراین به طور قطع می‌توان گفت که همان اجر و ثواب زیارت مرقد ایشان در مدینه، برای زیارت قبور فرزندان ایشان نیز برقرار است و شفاعت آن بزرگواران را در پی دارد و همچون زیارت اولاد پیامبر (ص) در حیات و زندگی ایشان است. این مطالب بیانگر جایگاه عظیم زیارت ائمه و اولاد النبی (ص) در نزد بزرگان و علمای اهل سنت در طول تاریخ بوده و هست.

احادیث معتبر دیگری نیز در کتب فضایل مدینه، صحیح بخاری و صحیح مسلم می‌توان یافت که در اثبات اهمیت و لزوم و استحباب زیارت است؛ به نحوی که زیارت را یکی از ارکان فیض بردن و تقویت روحی مسلمین و موجب افزایش خلوص و ارادت به پیامبر (ص) و اصحاب و اولاد بزرگوار ایشان و مایه‌ی ثواب و پاداش می‌داند. با وجود این همه از احادیث و نصوص معتبر، موجب تعجب است که چگونه برخی سعی می‌کنند مسلمین را از فیض عظمای زیارت و یکی از سرچشمه‌های معنویت و فیض بخشی در اسلام محروم کنند؟

## ◀ ارادت بزرگان اهل سنت به اهل بیت پیامبر (ص) و زیارت قبور آنان

بدون شک در طول تاریخ، نمی‌توان یک مسلمان حقیقی را یافت که به اهل بیت نبی (ص) علاقه و ارادت نداشته باشد. علاقه به این اهل بیت (رض)، دستور خداوند در قرآن و تنها مزدی است که پیامبر از امت خویش می‌خواهد (شوری، ۲۳) این عشق و علاقه، با جان و خون و رگ و پوست هر مسلمان اعم از سنی و شیعه عجین شده است و اگر کسی ادعای مسلمانی داشت و نسبت به اهل بیت (رض) ارادت نورزد، باید در اسلام او شک نمود، زیرا اسلام و حب پیامبر (ص) و اهل بیت (رض) و اصحاب لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند و بدون یکدیگر، ناقص می‌باشند.

در این زمینه، جالب آن است که بهترین مدیحه‌ها در مورد اهل بیت (رض) را در تاریخ ادبی ایران و اسلام به فارسی و عربی شعرا و نویسندگان اهل سنت گفته و سروده‌اند و منابع ادبی سرشار از این مدیحه‌ها و اظهار ارادت‌ها است. به عنوان مثال، شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، عارف و عالم بزرگ اهل سنت برای تبرک و تیمن و اثبات ارادت و علاقه خویش به اهل بیت، بزرگ‌ترین اثرش یعنی تذکره‌الاولیاء را به نام حضرت جعفر صادق (رض) شروع می‌کند و با القابی بسیار زیبا و پر معنا از آن حضرت یاد می‌کند که هر مسلمانی را به وجد می‌آورد. وی می‌نویسد:

«آن سلطان ملت مصطفوی، آن برهان حجت نبوی، آن عالم صدیق، آن عالم تحقیق، آن میوه دل اولیاء، آن گوشه جگر انبیاء، آن ناقل علی، آن عارف عاشق، ابو محمد جعفر صادق رضی الله عنه....» (عطار، ۱۳۶۰ ش، ص ۱۲) و سپس ادامه می‌دهد: «...چون ذکر او کرده آمد، ذکر همه بود، نبینی قومی که مذهب او دارند مذهب ۱۲ امام دارند، یعنی یکی ۱۲ است و ۱۲ یکی، اگر تنها صفت او بگویم، به زبان عبارت من راست نیاید که در جمله علوم و اشارات و عبادات بی تکلف به کمال بود و قدوه جمله مشایخ بود و مقتدای مطلق بود و همه‌ی الهیان را شیخ بود و همه‌ی محمدیان را امام بود...» (همان)

عطار به نکته بسیار ظریف و مهمی در ادامه گفتارش در توصیف حضرت جعفر صادق (رض) اشاره می‌کند که متأسفانه اکنون نیز ممکن است در گمان برخی وجود داشته باشد و تصور کنند که اهل سنت کمتر محبّ اهل بیت می‌باشند! تا جایی که این شبهه در نزد برخی عوام گسترش یافته و اگر ارادتی از اهل سنت به اهل بیت (رض) مشاهده کنند، تعجب می‌نمایند و گاه گوینده آن را شیعه می‌پندارند، در حالی که این موضوع، اعتقاد و اندیشه هر سنی واقعی در گذشته و حال است و اتهام کمی ارادت به اهل سنت، کذب محض و به واقع، اتهامی واهی بر اهل سنت است که به معنای حقیقی محبّ و ذوب شده در اهل بیت است و به قول عطار «اهل سنت و جماعت اهل بیت‌اند به حقیقت» از این رو، عطار ادامه می‌دهد: «عجب می‌دارم از آن قوم که ایشان را خیال بندد [که اهل سنت و جماعت را با اهل بیت چیزی در راه است] که اهل سنت و جماعت

اهل بیت‌اند به حقیقت و من آن نمی‌دانم که کسی در خیال باطل مانده است، آن می‌دانم کسی که به محمد<sup>(ص)</sup> ایمان دارد و به فرزندان و یارانش ایمان ندارد، او به محمد ایمان ندارد» (همان، ص ۱۳) و سپس با نقل شعر معروف امام شافعی (اگر دوستی آل محمد<sup>(ص)</sup> رفض است، گو جمله جمله جن وانس گواهی دهند به رفض من) و دوستی آل و اصحاب رسول<sup>(ص)</sup> را از اصول ایمان می‌داند و با بیانی شیوا و محکم ادامه می‌دهد: «... که چون پادشاه دنیا و آخرت محمد<sup>(ص)</sup> را می‌دانیم، وزرای او را نیز به جای خود می‌باید شناخت و صحابه را به جای خود و فرزندان او را به جای خود تا سنی پاک اعتقاد باشی...» (همان) عطار در این فصل از کتابش به ذکر نمونه‌های ناب از عظمت و شخصیت روحانی و عملی و حتی کرامات حضرت جعفر صادق<sup>(ض)</sup> می‌پردازد و اوج ارادتش را به اهل بیت به اثبات می‌رساند.

نمونه‌ای دیگر در این رابطه، روابط گرم و علمی و ارادت و اخلاص ابوحنیفه<sup>(ه)</sup> به حضرت محمد باقر<sup>(ض)</sup> و حضرت جعفر صادق<sup>(ض)</sup> می‌باشد. مراتب ارادت و اخلاص ابوحنیفه به امام صادق<sup>(ض)</sup>، اظهر من الشمس است؛ جایی ابوحنیفه در مورد امام صادق<sup>(ض)</sup> می‌گوید: «از جعفر بن محمد، فقیه‌تر و اعلم‌تر ندیدم، زیرا ایشان به اختلاف اقوال و نظریات علما و فقها واقف بود و نظریات فقهی اهل مدینه و اهل کوفه را جداگانه بیان می‌کرد و آنگاه نظر خویش را نیز ذکر می‌نمود که در مواردی با این نظریات، یکسان و در مواردی تفاوت داشت» و اعلام می‌کند که «کسی که اعلم مردم باشد، به اختلاف اقوال از همه علمش و فقاہتش زیادتر خواهد بود» (قمی، بی تا، ص ۱۲۵) این سخن مربوط به ملاقات ابوحنیفه و امام در بغداد و در حضور منصور، خلیفه عباسی بود که بحثی علمی در آن جلسه مطرح شد و به قول ابوحنیفه، امام به همه سوالات سخت که بیش از چهل مورد بود، پاسخ کاملی داد.

علاوه بر موارد فوق، می‌توان به نمونه‌های دیگری از مراتب ارتباط و ارادت علما و عرفای اهل سنت به اهل بیت<sup>(ض)</sup> اشاره کرد. البته باید بار دیگر تأکید نمود که هیچ اهل سنتی از عالم و عارف و عامی نیست که محب اهل بیت<sup>(ض)</sup> نباشد و حتی پادشاهان و امیران اهل سنت نیز این‌گونه بوده و هدایا، نذورات و وقفیات فراوانی به بارگاه آنان تقدیم کرده‌اند. به عنوان نمونه؛ حاکم قدرتمندی مانند ملک‌شاه سلجوقی هنگام اختلاف با برادرش به زیارت مرقد حضرت رضا<sup>(ض)</sup> در توس آمد و در پاسخ به سوال وزیرش، خواجه نظام‌الملک توسی پس از زیارت گفت: نصرت خدا را خواستیم و برای این نصرت و صلح و حفظ خون رعیت در مرقد امام دعا کردیم (ابن اثیر، ۱۹۷۹م، ص ۲۱۱) همچنین می‌توان به طغرل و سنجر سلجوقی اشاره کرد که حتی وزرای آنها یعنی خواجه نظام‌الملک توسی و شرف‌الدین علی قمی از توس و قم و مجاورین اهل بیت بودند. زیارت و وقفیات تیمور به آستان حضرت رضا<sup>(ض)</sup> و زیارت مرتب سلطان شاهرخ تیموری که از پایتختش هرات به توس می‌آمد و مرقد امام را زیارت می‌نمود و همسرش گوهرشاد که

اثر جاویدان مسجد گوهرشاد را در اثبات ارادت اهل سنت به این امام همام در مجاورت بارگاه او ساخت نیز به تنهایی سند محکمی بر ارادت اهل سنت به اهل بیت و ائمه شیعه است. امیران دیگر خاندان تیموری و بسیاری از قدرتمندان و حاکمان اهل سنت نیز ارادت عملی خود را به اهل بیت اعلام و اثبات نموده‌اند.

### ❖ زیارت و ارادت شیخ احمد جام نسبت به اهل بیت و حضرت رضا (رض)

همان‌طور که پیشتر گفته شد، تقریباً همه‌ی علما و عرفای بزرگ اهل سنت نسبت به زیارت قبور پیامبر (ص) و اولاد ایشان علاقه و اهتمام ویژه داشته و در این مورد، نسبت به زیارت مرقد حضرت رضا (رض) به دلیل وجود سبقه‌ی عرفانی و معنوی خاص ایشان همواره علاقه‌مند و مشتاق بوده‌اند. شیخ احمد جامی نیز علاوه بر توجه به زیارت قبور بزرگان، به هر شهر و دیاری که می‌رفته است، نسبت به زیارت مرقد حضرت رضا (رض) توجهی ویژه داشته و ضمن این که به صورت کرامت‌های عارفانه و در عالم روحانیت خدمت ایشان می‌رسیده است (تأییدی، ۱۳۸۲ ش، ص ۹۴). وی همچنین به مشهدالرضا نیز مشرف شده و مرقد مطهر حضرت را زیارت نموده است. وی در عالم معنویت و روحانیت از دفع حاکمی ظالم از خراسان توسط حضرت رضا (رض) و تعویض آن حاکم به امر ایشان و به دست شیخ جام و دیگر عرفا می‌گوید (همان). وی بنا بر نقل مشهور، به زیارت مرقد حضرت می‌آمده است، در محل فعلی تپه سلام که آخرین بلندی مشرف به مشهدالرضا بوده، می‌ایستاده و به حضرت سلام می‌داده و برای زیارت، کسب اجازت می‌نموده است. از این رو، جامی به اصطلاح مرید اویسی امام رضا (رض) بوده است و حتی بنا بر مشهور و اقوال شفاهی، نام‌گذاری این محل به نام تپه سلام به همین علت است که این امر نیازمند تحقیق کامل‌تری می‌باشد.

اشعار و رباعیات فراوانی از شیخ احمد جامی در منقبت حضرت علی (رض) و دیگر ائمه موجود است که نشان‌گر ارادت وی به اهل بیت است که از آن جمله رباعی بسیار مشهور زیر است:

گر منظر افلاک شود منزل تو  
وز حوض کوثر اگر سرشته گردد گل تو  
گر مهر علی نباشد اندر دل تو  
مسکین تو و سعی‌های بی حاصل تو

### ❖ علاقه مندی و ارادت و زیارت مولانا عبدالرحمن جامی

یکی از بزرگترین علما و عرفای اهل سنت، بدون شک مولانا عبدالرحمن جامی عالم و عارف و شاعر بزرگ قرن نهم هجری می‌باشد که کمتر طلبه‌ای است که شرح جامی را نخوانده



باشد و یا کمتر فارسی‌زبانی است که با کتاب‌ها و اشعارش آشنا نباشد. وی متولد جام بود، اما اکنون مقبره‌اش در هرات است. جامی که عارفی نقشبندی و عالمی بزرگ از اهل سنت بود، نسبت به پیامبر (ص) و دیگر اعضای خاندان رسالت ارادتی تمام داشت و به خصوص این ارادتش را بارها نسبت به حضرت علی بن ابیطالب (رض)، حسین بن علی (رض) و علی بن موسی الرضا (رض) نشان داده است. اشعاری که او هنگام زیارت قبور این بزرگان سروده است، از جمله‌ی قوی‌ترین اشعار زبان فارسی در مدح و منقبت این بزرگان است. وی علاقمندی خاصی به زیارت قبور بزرگان اهل بیت (رض) داشت و در سفرهایش به شهرهایی که مقبره‌ی این بزرگواران در آنها قرار دارد، زیارت قبور آنان را برای خود «فرض عین» دانسته و با شوق و افتخار به آستان‌بوسی این بزرگان رفته است و بهترین مدح‌ها را در ستایش آنها هدی سروده است. به عنوان نمونه، در سفر مهم خود به مقصد زیارت خانه‌ی خدا که در سال ۸۷۷ق به سمت حجاز حرکت نمود، در جمادی الاخر همان سال به بغداد وارد شد و بعد چند روز، به نیت زیارت روضه‌ی مقدسه‌ی حسین بن علی (رض) متوجه حله شد و چون به کربلا رسید، این غزل را نظم فرمود (حکمت، ۱۳۸۶ ش، ص ۸۲).

هست این سفر به مذهب عشاق، فرض عین  
حقا که بگذرد سرم از فرق فرقدین  
رکب الحجیج این تروحون این این  
آن به که حیلہ جوی کند ترک شیدوشین  
از موی مستعارچه حاجت به زیب و زین  
با راحت وصال مبدل عذاب بین  
باشد قضای حاجت سائل ادای دین  
(جامی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۸۲)

کردم ز دیده پای سوی مشهد حسین  
خدام مرقدش به سرم گر نهند پای  
کعبه به گرد روضه‌ی او می کند طواف  
از قاف تا به قاف پر است از کرامتش  
آن را که بر عذار بود جعد مشکبار  
جامی گدای حضرت او باش تا شود  
می‌راند از دیده سیل که در مشرب کریم

همچنین درباره ورود به شهر نجف توسط وی آمده است که «در اواخر شهر شوال، به حریم حرمت نجف که قبله‌ی عزت است و شرف، رسیدند و در آن مقام مبارک و منزل متبرک این چنین فرمودند»: (همان، ص ۱۸۱)

که مشاهد شد از آن مشهدم انوار جلی  
آشکار است در او عکس جمال ازلی  
جای آن دارد اگر کور شود معتزلی  
لایزالی بود این زندگی و لم یزلی  
نقص ارباب دل از بی‌خردی و دغلی  
از شهی نحل چه حاصل ز لباس عسلی  
گر پیرسند که آن کیست؟ علی گوی، علی

قد بدا مشهد مولا ی آنیخو جملی  
رویش آن مظهر صافیست که بر صورت اصل  
چشم از بر تو رویش به خدا بینا شد  
زنده عشق نمرده است و نمیرد هرگز  
دعوی عشق و تولا مکن ای سیرت تو  
چون تو را چاشنی شهد محبت نرسید  
جامی از قافله سالار ره عشق تو را

و بعد از زیارت مشهد مقدس و مرقد منور علی بن ابیطالب (رض) قصیده‌ای غرا در منقبت آن حضرت، به سلک نظم درآورد:

اصبحت ز ایرالک یا شحنة النجف	بهر نثار مرقد تو نقد جان به کف
تو قبله‌ی دعایی و اهل نیاز را	روی امیدسوی تو باشد ز هر طرف
می‌بوسم آستانه‌ی قصر جلال تو	در دیده اشک عذر ز تقصیر ما سلف
گر پرده‌های چشم مرصع به گوهرم	فرش حریم قبر تو گردد زهی شرف
جامی ز آستان تو کانجایی سجود	هر صبح و شام اهل صفا می کنند صف
گردی به دیده رفت و به حبیب صبان هفت	اهدی الی اَحَبَّتِه اشرف التحف

(همان، ص ۱۸۲)

وی سپس عازم سفر حج و زیارت عظمی و زیارت قبور بزرگان می‌شود که ضمن آن، زیباترین منقبت‌های شعر فارسی در مدح پیامبر اکرم (ص) پدید آورده است. اما باید توجه داشت که اوج و شاهبیت سروده‌های جامی در این سفر، هنگام زیارت مرقد حضرت علی بن موسی الرضا (رض) در مشهد است. از فحوای متون تاریخی به طور دقیق، مشخص نیست که قبل از حرکت و در مسیر خراسان به نیشابور به این حریم الهی راه یافته و آن را توشه‌ی سفر حج خویش قرار داده است یا هنگام برگشت، این زیارت را مکمل و کامل کننده‌ی بهره‌ی خویش از حج قرار داده است. غالب مورخین آورده‌اند که وی هنگام توجه [زیارت] به مشهدالرضا سروده است و آن، شاهکار تمام مدایحی است که هنگام زیارت آن امام رئوف کسی سروده است و این علاوه بر همه‌ی تعلق خاطرهای جامی به حضرت رضا (رض) بیان‌گر ارادت به عنوان قطبی از سلسله اقطاب نقشبندیه نیز است. زیرا این گروه از عرفا، امام را یکی از زنجیرهای اتصال عرفان از پیامبر (ص)، علی بن ابیطالب (رض) و جعفر بن محمد الصادق (رض) به عرفای بعدی می‌دانند (علی صفی، ۲۵۳۶ ش، ص ۵۴) که از جمله فضیلت‌های بی‌شمار آن حضرت است.

این شعر معروف که هنگام زیارت مشهد توسط عبدالرحمن جامی سروده شده چنین است که گویی پس از ششصد سال از پس قرون، هنوز صدای ارادت او گوش زمان و زمین را نوازش می‌دهد، عبارت است از:

سلام علی آل طه و یاسین	سلام علی آل خیرالنیین
سلام علی روضه حل فیها	امام یباهی به الملك والدین
امام بحق شاه مطلق که آمد	حریم درش قبله گاه سلاطین
شه باغ عرفان گل باغ احسان	در درج امکان مه برج تمکین
علی بن موسی الرضا کز خدایش	رضا شد لقب چون رضا بودش آیین
ز فضل و شرف بینی او را جهانی	اگر نبودت تیره چشم جهان بین

پی عطر رو بند حوران جنت  
غبار دیارش به گیسوی مشکین  
اگر خواهی آری به کف دامن او  
برودامن از هر چه جز اوست بر چین  
چو جامی چشید لذت تیغ مهرش  
چه غم گر مخالف کشد خنجر کین

(جامی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۸۳)

این شعر زیبا که علاقه‌ی جامی و عشق او به حضرت رضا (رض) را بیان می‌کند، جایگاه عرفانی ایشان را نیز در نزد اهل سنت و عرفا نشان می‌دهد. وی ایشان را «شه باغ عرفان» می‌خواند، چون آن حضرت، آخرین صاحب خرقة‌ی عارفانه از اولاد پیامبر بوده‌اند که زنجیر و واسط و انتقال دهنده‌ی عرفان به عرفای پس از خود هستند و بنا بر نوشته‌ی فخرالدین علی صفی، فرزند ملاحسین واعظ کاشفی پدید آورنده اثر ارزشمند «روضه‌الشهدا» در کتاب ارزشمندش، «رشحات عین الحیات» این زنجیره را به ویژه در سلسله‌ی سوم عرفای نقشبندیه ذکر می‌کند (صفی، ۲۵۳۶ ش، ص ۵۴) و به همین علت است که حضرت رضا (رض) در نزد اهل سنت، لقب سلطان دارد که خاص اقطاب عرفان بوده و سلطان دین، رضا خوانده می‌شود و شدیداً مورد علاقه‌ی اهل سنت بوده و صحن و سرای ایشان همواره پر از زائرین مشتاق اهل سنت می‌باشد که علاوه بر شهرهایی نظیر جام، تایباد و خواف و اقوام ترکمن، کرد و بلوچ و حتی زائرین اهل سنت از آسیای میانه و تاجیکستان و ازبکستان نیز به زیارت این امام رئوف می‌آیند.

### ❖ زیارت هر ساله و مکرر حرم امام رضا توسط مولانا زین الدین ابوبکر تایبادی

بدون شک، یکی از علما و عرفای بزرگ اهل سنت که از مشتاقان و مریدان حضرت رضا (رض) بوده و بارها و هر ساله به زیارت ایشان می‌آمده است، عارف بزرگ اهل سنت، مولانا زین الدین ابوبکر تایبادی در قرن هشتم هجری است که معاصر تیمور بود. وی بارها از تایباد به زیارت مرقد حضرت می‌آمده است (تایبادی، ۱۳۸۲ ش، ص ۵۹) و یک سال که به دلیل مشکلاتش، توفیق این زیارت را نداشته است، پسر ارشد خویش را به نیابت و با سفارش‌های خاص به زیارت می‌فرستد. در این مورد، در کتاب معتبر «مقامات تایبادی» از قول نوه‌ی مولانا که همانم خود وی است، نقل شده که از پدرش شیخ صدرالدین یکی از پسران مولانا ذکر می‌کند که: «روزی در مسجد پیش پدر خود نشسته بودم، ناگاه به چشم عنایت در من نظر کردند و گفت: ای فرزند خردمند! ترا عزیمت زیارت متبرک مشهد سلطان رضا (رضی الله عنه) باید کرد و پیاده به طواف آن بارگاه باید رفت و چون دولت رفیق گردد و آن دولت دست دهد، بدان سعادت مشرف شوی، زود باشد که به ما توفیق‌های بزرگ نیز از تو رسد. پس از آنجا عزیمت زیارت اولیاء طوس مقرر دار...» (همان، ص ۱۳۰) وی نیز به امر پدر، این زیارت را پیاده به انجام می‌رساند و در حرم، چندی زیارت نموده و مقیم می‌شود و کرامتی می‌بیند که در بازگشت، مولانا آن را تفسیر بر خود و فرزندانش

و مرگ یکی از آنها می‌نماید و نشان می‌دهد که مولانا، زیارت حرم حضرت را رفیق گردیدند دولت [بخت و اقبال بزرگ] و مشرف شدن به بارگاه ایشان را سعادت دانسته و نتیجه‌ی چنین سعادت‌ی را رسیدن به توفیق‌های بزرگ برای زائر و نائب‌الزیاره می‌داند.

## ❖ علاقه و ارادت و زیارت چند تن دیگر از علما و عرفای اهل سنت نسبت به اهل بیت گرامی پیامبر (ص)

در تاریخ از بسیاری از علما و فقهای اهل سنت محب اهل بیت (رض) یاد شده است که ارادت خود را با زیارت مرقد اهل بیت (رض) به اثبات رسانیده‌اند که از جمله آنها می‌توان به علمایی مانند ابوبکر خزیمه (متوفی به سال ۳۱۱ق) و ابوعلی ثقفی شافعی (متوفی به سال ۳۲۸ق) یاد کرد. همچنین محمدبن علی سهل از برآورده شدن حاجات خویش بر اثر دعا کنار مرقد حضرت رضا (رض) سخن می‌گوید و نیز عالمی دیگر به نام ابن حبان بستی در کتاب «الثقات» از زیارت مرقد حضرت هنگام اقامتش در طوس و درخواست از خدا برای رفع مشکلاتش و حل این مشکل‌ها در زیارت قبر ایشان می‌گوید (پورامینی، ۱۳۹۲ش، ص ۳۵). همه‌ی این موارد در منابع اهل سنت مانند فرائدالمسطین جوینی نقل شده است. در میان ارادت علمای اهل سنت، از همه جالب‌تر و با شکوه‌تر، ذکر ارادت ابن روزبهان خنجی شافعی است که از مرقد مطهر حضرت رضا (رض) با تعابیری همچون روضه بهشت، کعبه حاجات و مقاصد جمیع حاجت‌خواهان یاد می‌کند و استمداد از باطن اقدس آن حضرت را طریق نجات می‌داند و با شعری زیبا، ارادت خود را ثابت می‌کند (همان):

سلام علی روضه للامام	علی بن موسی علیه السلام
سلام من العاشق المنتظر	سلام من الواله المستهام
بر آن پیشوای کریم الشمیم	بر آن مقتدای رفیع المکام
ز خلد برین مشهدش روضه‌ای	خراسان از او گشته دارالسلام
از آن خوانمش جنت هشتمین	که شد منزل پاک هشتم امام

قاضی جلال‌الدین سلجوقی نیز شعری زیبا در مورد کربلا سروده است که مورد توجه مقام معظم رهبری قرار گرفته است. و با توجه به مطالب فوق، باید پذیرفت که اهل سنت، عاشق و محب اهل بیت پیامبر (ص) هستند و این کوشش ناآگاهان و دشمنان است که سعی می‌کنند با القای مطالب نادرست در مورد دیدگاه اهل سنت در این زمینه، موجب تفرقه بین مسلمین و دور نمودن عامه مسلمین از حول یکی از مهمترین محورهای وحدت جهان اسلام یعنی علاقه به اهل بیت (رض) گردند. بنابراین باید هشیار بود که بدخواهان نتوانند با بهره‌گیری از این گمان ناصحیح، بذر نفاق و تفرقه پیاشند. از این رو، بزرگان، علماء و محققین اهل سنت باید در اثبات علاقمندی و ارادت مسلمانان و اهل سنت به اهل بیت پیامبر (ص) همان گونه که واقعاً

هست، بکوشند و این ارادت و اعتقاد را با استناد به متون و عملکرد آنها به اثبات برسانند تا راه بر تفرقه‌جویان مسدود گردد و مسلمانان حول محورهای اتحاد همچون خدای واحد، قرآن، پیامبر<sup>(ص)</sup> و اهل بیت او گرد آیند و چراغ وحدت بر فروزند.

## نتیجه‌گیری

از مجموعه‌ی مطالب بیان شده در مورد اهمیت و جایگاه زیارت در اسلام و حدیث معتبر نبوی در این زمینه، مستفاد می‌گردد که ارادت علمای اهل سنت به اهل بیت و اظهار ارادت به آنان و زیارت مرقدشان امری پسندیده، شایسته، فیض‌بخش و جان‌بخش برای همه‌ی علما و مسلمانان بوده است که در طول تاریخ، این عمل انجام شده است. البته ممکن است تنها افراد بدون ذوق و خشکاندیش با چنین پدیده‌ای مخالفت کرده و مسلمانان را از این فیض محروم نمایند. اما زیارت و توجه به قبور اهل بیت و بزرگان دین به طور اعم و علی بن موسی الرضا<sup>(رض)</sup> به طور اخص مورد قبول علما و عرفا و عامه‌ی اهل سنت بوده است که این امر، بیان‌گر اخلاص آنان به اهل بیت<sup>(رض)</sup> است و مسلمانان با این زیارت، روح و جان خود را در زلال معرفت و رئوفیت پالایش و تازه می‌نمایند.

## فهرست منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی بن محمد الجری، اسدالغابه، فی معرفه الصحابه، قاهره، الشعب، ۱۹۷۰ م.
۳. \_\_\_\_\_، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، بیروت، بی‌نا، ۱۹۷۹ م.
۴. بخاری، محمد ابن اسماعیل، مختصر صحیح بخاری، ترجمه عبدالقادر ترشابی، زاهدان، بی‌نا، ۱۳۸۸ ش.
۵. بیهقی ابوالفضل، تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۲۵۳۶ ش.
۶. پور امینی، محمدباقر، منزلت زیارت، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۹۲ ش.
۷. تائبادی، مولانا زین‌الدین ابوبکر، مقامات تائبادی در شرح زندگی و کرامات عارف قرن هشتم، تصحیح سید علاء‌الدین گوشه‌گیر، دزفول، نشر افهام، ۱۳۸۲.
۸. جامی، عبدالرحمن، دیوان جامی (فاتحه‌الشباب)، با مقدمه و تصحیح اعلاخان افصح‌زاد، تهران، نشر مرکز مطالعات ایران، ۱۳۷۸ ش.
۹. حکمت، علی اصغر، نورالدین عبدالرحمن جامی: تحقیقات و تاریخ و احوال و آثار، تهران، توس، ۱۳۸۶.
۱۰. خالد، عمرو، به سوی همزیستی، ترجمه محمد ابراهیم ساعدی رودی، تائباد، نشر واسع، ۱۳۹۰ ش.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دهخدا، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. زنگنه، ابراهیم، تاریخ مشهد بزرگ، مشهد، انتشارات خاطره، ۱۳۸۸ ش.
۱۳. شربندالی، حسن بن علی، فقه احناف در پرتو آیات قرآن و احادیث پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>، ترجمه و شرح فیض محمد بلوچ، تربت جام، انتشارات خواجه عبدالله انصاری، ۱۳۹۲ ش.
۱۴. صفی، فخرالدین علی، رشحات عین الحیات، تصحیح معینیان، تهران، بنگاه خیریه نوریانی، ۲۵۳۶ ش.
۱۵. عطار، فریدالدین محمد نیشابوری، تذکره‌الاولیاء تصحیح محمد استعلامی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۰ ش.
۱۶. فضایی، یوسف، تحقیق در تاریخ و فلسفه مذاهب اهل سنت، تهران، انتشارات فرخی، ۱۳۵۵ ش.
۱۷. قمی، عباس، منتهی الامال، تهران، انتشارات جاویدان، بی‌تا.
۱۸. کردی، عبدالله محمد امین، مکه و مدینه، ترجمه حسین جبباری، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۰ ش.